

تربیت دینی

دکتر علی اصغر احمدی

"تربیت عبارت است از فراهم آوردن زمینه لازم برای رشد همه جانبه شخصیت، در جهت وصول به اهداف مطلوب." وقتی بخواهیم چنین تعریف عامی از تربیت را با تأکید بر قید دینی، مورد توجه قرار دهیم، ناگزیر از تبیین دقیق‌تر مفهوم دین خواهیم بود.

دین در اصل بر ایمان استوار است. ایمان نوعی باور عمیق روانی است که نه تنها دنیای روان‌شناختی انسان را متأثر می‌سازد، بلکه رفتارهای آدمی را نیز تحت تأثیر خود می‌گیرد. اگر بخواهیم به یک تربیت صحیح دینی دست بزنیم، در درجه اول می‌باید شکل‌گیری و گسترش ایمان را در مرکز توجه خویش قرار دهیم، پس از آن در انتقال باورهای صحیح دینی یا آن چه موضوع علم کلام است، قدم‌هایی برداریم و به دنبال آن رفتارها و آدابی برای زیستن (آن گونه که دین از انسان انتظار دارد) را به متربی خود منتقل کنیم.

تمامی این اقدامات، مستلزم شناخت ساختار و فرایندهای روان‌شناختی انسان است. به راستی وقتی سخن از ایمان می‌گوییم مقصودمان چیست؟ به لحاظ روان‌شناختی چه نوع فعالیتی ایمان نامیده می‌شود؟ آیا ایمان نوعی شناخت است، مانند شناخت انسان از هر چیز، به ویژه شناختی که با قاطعیت همراه است؟ یا نه ایمان نوعی تمایل است، مانند تمایل انسان تشنه برای نوشیدن آب؟

پاسخ به چنین سؤال‌هایی مستلزم آن است که نگاهی اجمالی داشته باشیم به ساختار روانی انسان. ما این ساختار را با توجه به آن چه اسلام از بخش‌های مهم روانی انسان ارائه



تقریبی هوش انتزاعی در روان‌شناسی دانست، همان چیزی است که کسب علم و فلسفه را برای انسان ممکن ساخته است. ریاضیات تجلی عالی و دقیق چنین عقلی است. ریاضیات بالاتر از سایر رشته‌های علمی و بهتر از فلسفه، توانسته است نشان دهد که بر ذهن انسان‌ها یک سلسله قواعد مشترکی حاکم است که این قواعد توانسته است در زبان مشترکی به نام ریاضیات در بین تمامی انسان‌ها و در تمامی زمان‌ها، و مکان‌ها، تجلی پیدا کند. ریاضیات نشانگر وجود بخش مشترکی در دنیای روانی همه انسان‌ها به نام عقل است.

۲- امیال یا هوی^۲: انسان علاوه بر عقل با امیالی نیز سروکار دارد. انسان در همه شرایط ضرورتاً عقلانی عمل نمی‌کند، بلکه در بسیاری مواقع از آن جهت که چیزی را دوست می‌دارد، به آن نزدیک شده، یا از چیزی که دوست نمی‌دارد، دوری می‌کند؛ هر چند که عقل او خلاف چنین رفتاری را حکم کند. امیالی چون میل به غذا، میل به آب، میل جنسی، انواع تمایل‌های اجتماعی از قبیل میل به جلب توجه، میل به تعلق داشتن به دیگران و مورد تحسین واقع شدن، نمونه‌هایی از امیال انسانی‌اند. وجود این امیال نشانگر این است که بخش دیگری از شخصیت انسانی تعلق به آن‌ها یا به تعبیر قرآنی، تعلق به هوی دارد.

هوی که بخش مهم دیگری از شخصیت را می‌سازد، خود از بخش‌های دیگری ساخته می‌شود که هر یک از آن‌ها در زندگی انسان نقش مهمی ایفا می‌کنند. هوی خود به لایه‌های زیر تقسیم می‌شود:

الف - لایهٔ بدنی^۳ که برآمده از انگیزه‌های

می‌کند و نیز با توجه به تبیینی که علم روان‌شناسی از این ساختار دارد، توضیح می‌دهیم.

ساختار روانی انسان

وقتی سخن از ساختار روانی انسان به میان می‌آوریم، مقصودمان توضیح مهم‌ترین اجزای تشکیل دهندهٔ دستگاه روانی انسان است. این ساختار در دیدگاه روان‌شناسانی چون فروید، یونگ و کتل به اشکال مختلف توصیف شده است. ما در این جا توصیفی دیگر از ساختار روانی انسان را مطرح می‌کنیم و برای آغاز بحث از شناخته شده‌ترین بخش روانی انسان یعنی عقل یا به تعبیر روان‌شناسی، هوش آغاز می‌کنیم.

۱- عقل^۱: همه می‌دانیم که انسان دارای توانمندی خاصی به نام عقل است. او به کمک عقل می‌تواند دنیای بیرونی و درونی خود را بشناسد، پدیده‌ها را سازمان دهد و بین آن‌ها انواع رابطه‌ها را برقرار نماید. او به کمک عقل می‌تواند در غیاب اشیاء به تفکر انتزاعی نشسته، در مورد آن‌ها دست به قضاوت و پیش‌بینی بزند. انسان با همین عقل توانسته است گذشته را، با این حال که اکنون وجود ندارد، بازسازی کند و انواع تاریخ‌ها، از قبیل تاریخ اجتماعی، تاریخ تمدن، تاریخ طبیعی و سایر تاریخ‌ها را بازآفرینی کند. او هم چنین به کمک عقل می‌تواند در مورد آینده، آن هم در شرایطی که آینده در اختیار او نیست، دست به شناخت و پیش‌بینی بزند.

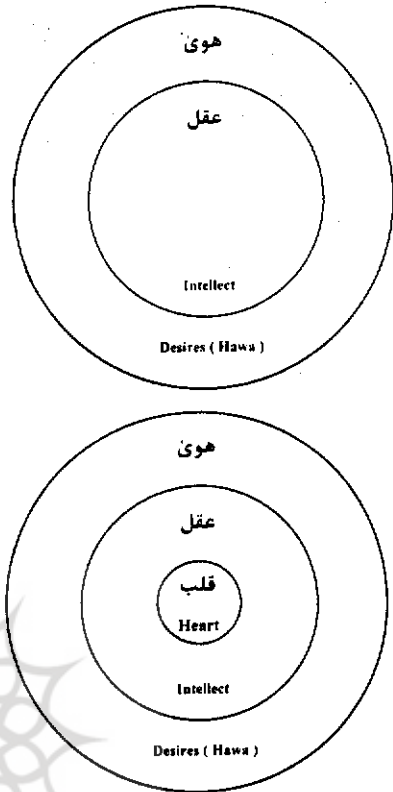
چنین عقلی که گاه توسط عرفای اسلامی عقل جزوی نامیده شده، می‌توان آن را معادل

روان‌شناسی معاصر، جایگاه و مفهومی ندارد. روان‌شناسان از کارکردهای قلب غفلت کرده، سخنی از آن به میان نیاورده‌اند، لکن در معارف دینی، به خصوص در قرآن کریم، قلب مورد توجه خاص قرار گرفته است، تا جایی که قرآن روز قیامت را روزی معرفی می‌کند که مال و فرزندان برای انسان سودی ندارند، بلکه آن چه سودمند واقع می‌شود، تقدیم قلبی سالم به خداوند است. شواهد عدیده نشان می‌دهد که در دیدگاه اسلامی، قلب عنصر حتمی و قطعی وجود انسان است و آن چه آدمی را به جد موجودی متمایز از تمامی موجودات می‌کند، همین قلب است.

اگر در مقوله‌های دیگر تربیت، از جمله تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی، تربیت عقلانی و غیره، قلب ممکن است مغفول واقع شود، ولی در تربیت دینی چنین غفلتی نقض غرض است. بدون توجه به قلب و کارکردهای آن و آسیب‌هایی که متوجه آن است، نمی‌توان سخن از تربیت دینی به میان آورد. به ملاحظه چنین ضرورتی به بحثی اجتماعی درباره کارکردهای قلب سالم و نیز بررسی آسیب‌هایی که متوجه آن است می‌پردازیم.

کارکردهای قلب

کارکردهای قلب، آن گونه که از قرآن و معارف اسلامی استنباط می‌شود، در سه بخش معرفتی، عاطفی و ارادی طبقه‌بندی می‌شود. کارکرد معرفتی قلب متوجه شناخت‌های ویژه‌ای است که قلب می‌تواند داشته باشد. قرآن و احادیث اسلامی برای قلب، چشم و گوش خاصی قائلند که با آن‌ها قلب موجوداتی را می‌بیند و صداهایی را می‌شنود که رؤیت و



بدنی مانند گرسنگی، تشنگی، جنسی و حتی پرخاشگری است.

ب- لایه اجتماعی^۴ که ناشی از نیازهای اجتماعی انسان مانند نیاز به توجه، نیاز به تعلق داشتن به دیگران و محبت و حرمت اجتماعی است.

ج- لایه فردی^۵ که برای پاسخ‌گویی به نیازهای استقلال‌جویی^۶، حرمت خود^۷ و خود شکوفایی^۸ انسان شکل می‌گیرد.

۳- قلب^۹: بخش اصلی و مرکزی شخصیت انسان قلب است. قلب مرکز ایمان، عشق و گناه کینه، نفرت و قساوت است. قلب در

نیاورده‌اید، بلکه بگویید که ما تسلیم شده‌ایم.
قَالَتِ الْاَعْرَابُ اَمَّا قُلْ لَمْ تُوْمِنُوا و لکن قولوا
اَسْلَمْنَا و لَمَّا يَدْخُلِ الْاِيْمَانُ فِي قُلُوْبِكُمْ. قرآن عمل
عمدی را نیز به قلب نسبت می‌دهد و آن چه
مورد مؤاخذه یا ثواب قرار می‌گیرد آن چیزی
است که از قلب انسان سرچشمه می‌گیرد.

در سوره احزاب (۳۳) آیه ۵ می‌فرماید:
وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا اَخْطَاكُمْ به و لکن ما
تَعَمَّدْتُمْ قُلُوْبِكُمْ. یعنی: ایرادی بر آن چه از روی
سهو انجام داده‌اید بر شما نیست لکن برای
آن چه از روی عمد قلبی انجام داده‌اید مورد
مؤاخذه قرار خواهید گرفت.

آسیب‌های قلبی

قرآن برای قلب آسیب‌هایی را نیز قائل
است. این آسیب‌ها انسان را از ایمان دوره کرده،
او را مستعد شقاوت یا بدبختی می‌کند.
مهم‌ترین آسیب‌های قلب در قرآن عبارت‌اند از:
۱- مرض: مقصود از مرض وجود عاملی در
قلب است که نگذارد انسان حقیقت را ببیند. در
قرآن کریم مرض قلب در فرازهای گوناگونی
آمده است. از آن جمله در مورد عده‌ای از کفار
می‌فرماید: فِي قُلُوْبِهِمْ مَرَضٌ فَرَّادَهُمُ اللّهُ مَرَضًا،
بقره (۲) آیه ۱۰. یعنی در قلب‌های آن‌ها مرض
است و خداوند مرض‌های آنان را افزایش
می‌دهد. از جمله مصادیق مرض کینه است که
مانع دیدن حقیقت می‌شود. چنان که در سوره
محمد (۴۷) آیه ۲۹ می‌فرماید: اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ
فِي قُلُوْبِهِمْ مَرَضٌ اَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللّهُ اَضْغَاثَهُمْ. یعنی
کسانی که در قلب‌هایشان مرض هست فکر
می‌کنند که خداوند کینه‌های آن‌ها را آشکار
نمی‌سازد

۲- قساوت: قساوت یا سختی دل، از بین

استماع آن‌ها توسط چشم و گوش معمولی
امکان‌پذیر نیست. از آن جمله رؤیت خداوند با
چشم دل امکان‌پذیر است نه چشم سر و نه
حتی با عقل. از علی بن ابی طالب - علیه السلام -
می‌پرسند چگونه خدایی را که نمی‌بینی عبادت
می‌کنی؟ او در پاسخ می‌فرماید من هرگز خدایی
را که ندیده‌ام عبادت نکرده‌ام. اشاره ایشان به
این رؤیت، یعنی رؤیت قلبی است. قرآن وقتی
سخن از کوری کافران به میان می‌آورد، مرادش
کوری دل آنان است نه کوری چشم سر. چنان
که در سوره حج (۲۲) آیه ۴۶ می‌فرماید:

فَاِنَّهَا لَا تَعْمَى الْاَبْصَارَ و لکن تَعْمَى الْقُلُوْبَ الَّتِي
فِي الصُّدُوْر. یعنی: همانا این چشم‌ها نیست که
نابینا می‌شود بلکه قلب‌هایی که در سینه‌هاست
نابینا می‌گردد.

یا در سوره اعراف (۷) آیه ۱۷۹
می‌فرماید: لَهْمُ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا و لَهْمُ اَعْيُنٌ لَّا
يُبْصِرُوْنَ بِهَا. یعنی آن‌ها قلب‌هایی دارند لکن از
آن قلب‌ها برای فهمیدن بهره‌ای نمی‌گیرند و
دارای چشمانی‌اند که برای دیدن آن‌ها را به کار
نمی‌برند.

در زمینه کارکرد عاطفی، خداوند عواطفی
چون ایمان، اطمینان، یقین، انابه، خشوع،
وجلّت (استشعار الخوف یا احساس ترس) و
نیز عواطفی چون کینه، حسرت، غیظ، شک و...
را به قلب انسان نسبت می‌دهد. در سوره
حجرات (۴۹) آیه ۷ می‌فرماید: و لکنّ اللّهُ حَبِيبٌ
اِلَيْكُمْ الْاِيْمَانُ و زَيِّنَهُ فِي قُلُوْبِكُمْ. یعنی: و لکن
خداوند ایمان را برای شما پسندید و آن را در
قلب‌های شما زینت بخشید. در آیه ۱۴ همین
سوره خطاب به اعراب بدوی، هنگامی که
ادعای ایمان می‌کنند، می‌فرماید: ایمان در
دل‌های شما وارد نشده یعنی شما ایمان

تربیت دینی می‌پردازیم.

۱- قلب: چنان‌که گفتیم قلب بخش اساسی و مرکزی شخصیت انسان است که در تربیت دینی حائز مهم‌ترین نقش است. تربیت دینی در اصل عبارت است از: "فعال سازی، سالم‌سازی، خلوص و رشد کارکردهای قلب در جهت قرب به پروردگار عالم." تربیت دینی اگر با چنین تعریفی تحقق پذیرد، هدایت سایر سطوح شخصیت به سادگی امکان‌پذیر خواهد بود. در غیر این صورت تربیت دینی کاری بس دشوار و تلخ جلوه خواهد کرد.

در روان‌شناسی رشد،^۱ سنین نوجوانی در حدود ۱۳، ۱۴ سالگی، با تغییراتی به شکل گرایش به مذهب، عدالت خواهی و نشان دادن تمایلات معنوی، مشخص شده است. نوجوان از این سنین، همراه با تغییراتی که در سایر بخش‌های شخصیتی از خود نشان می‌دهد، گرایش‌هایی را به سمت معنویت و مذهب از خود بروز می‌دهد. این گرایش‌ها، فعال شدن قلب برای دریافت آموزه‌های دینی را نشان می‌دهند.

امروزه در بسیاری از جوامع با غلبه یافتن فرهنگی که شهوت‌پرستی و شهوت‌رانی و زیادت خواهی و مصرف‌زدگی را ترویج می‌کند، این تغییر درونی نوجوانان و جوانان بی‌پاسخ می‌ماند. قلب انسان در این وهله از زندگی، خود را آماده دریافت معنویت نشان می‌دهد. پاسخ دادن به این نیاز تنها با حرف و آموزش معارف دینی امکان‌پذیر نیست، بلکه وجود قلب‌هایی که خود معنویت را دریافته‌اند و حقایقی را مشاهده کرده و با آن زیسته‌اند، پاسخگوی چنین نیازی‌اند. دل، سخن اهل دل را می‌شنود و آن را می‌پذیرد. غیر اهل دل، از جمله آنان که

رفتن کارکردهای عاطفی مثبت قلب است. چنان‌که قرآن بعد از آزمایش‌های متعدد قوم بنی اسرائیل خطاب به آنان می‌فرماید: **ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً**، بقره (۲) آیه ۷۴. یعنی پس از آن قلب‌های شما سخت چون سنگ شد و بلکه سخت‌تر از سنگ.

۳- طبع و ختم: این اصطلاح به معنای بسته شدن و فعال نبودن دل است. قرآن در فرازهای گوناگون سخن از طبع و ختم دل به میان می‌آورد. کسانی که دچار ختم و طبع قلب شده‌اند، کسانی‌اند که گویی دلی در درون ندارند.

چنان‌که در سوره ق (۵۰) آیه ۳۳ می‌فرماید: **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ لِقَى السَّمْعِ وَهُوَ شَهِيدٌ**. در مفهوم ضمنی این آیه اشاره به این است که گویی کسانی هستند که اصلاً قلبی ندارند.

علاوه بر این آسیب‌ها، آسیب‌های دیگری نیز برای قلب در قرآن ذکر شده که در بحث‌های تفصیلی قابل بررسی است.

اینک با توجه به آن چه در مورد سه بخش مهم روان آدمی یا به تعبیر روان‌شناسی، شخصیت انسانی، یعنی امیال، عقل و قلب گفتیم می‌توانیم در مورد تربیت دینی جوان سخن بگوییم.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، تربیت دینی، بدون توجه به چنین ساختاری از شخصیت انسان، میسر نیست. مربی درکار خویش می‌باید ناظر بر هر بخش از شخصیت متربی، برنامه‌های ویژه‌ای را مد نظر قرار دهد. ما در این مقاله تنها به بررسی اجمالی وظایف تربیتی در ارتباط با سه بخش مهم شخصیت، در مقوله

عالم بیرون و از طریق دریافت‌های غیرشهودی حاصل می‌شود. با توجه به وجود چنین معارفی و ضرورت تعیین صحت و سقم آن‌ها در تربیت دینی، پس از قلب، عقل جایگاهی بسیار رفیع در تربیت، به ویژه تربیت دینی دارد. عقل در این مقام، وزیر و نگهبان قلب است. علم کلام، در طول تاریخ معارف بشری، تلاش عقل بوده برای شناخت آن چه باید بدان معتقد بود. هر چند که قلب مقامی شریف دارد و قواعدی خاص بر آن حکومت می‌کند، لیکن قلب هرگز از مشاورت و مساعدت عقل بی‌نیاز نیست. معتقدات دینی، به ویژه آن چه انسان بدان ایمان پیدا می‌کند، می‌باید به نقد عقل گذاشته شود. عقل می‌باید آن را مورد بررسی دقیق قرار

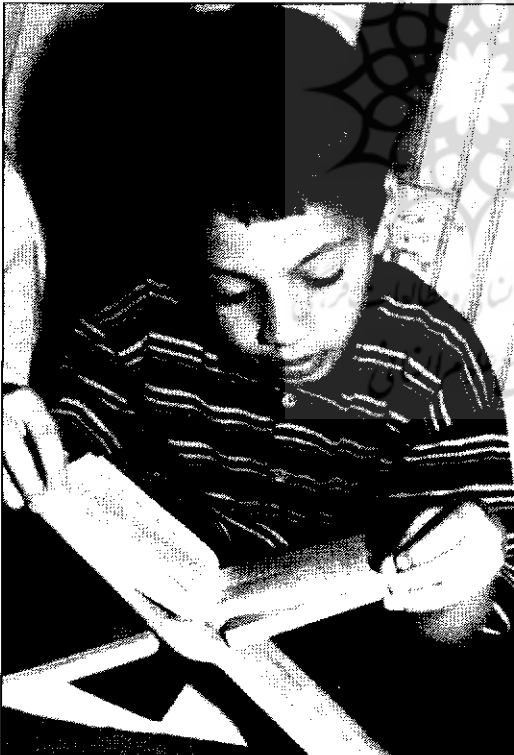
دین را تنها در عادت‌های خود یافته‌اند یا این که دین را تنها در تصورات خود حفظ کرده‌اند، نمی‌توانند بر دل اثر بگذارند.

جوانانی که در جای جای این جهان، الگوهایی از معنویت را، آنانی که خود اهل دل‌اند و به مشاهده قلبی حقایق عالم نشستند. بیابند، غذای روح خود را یافته، جذب آن می‌شوند. ولی آنانی که از این بخت بدورند، پس از مدتی وقتی برای نیاز درونی خود، پاسخی نمی‌یابند، خود را در سطوح دیگر شخصیت مشغول ساخته، یا یکسره پاسخگوی امیال خویش می‌شوند یا انرژی روانی خود را به تمامی صرف فعالیت‌های عقلی، از آن جمله علم و فلسفه می‌سازند.

دوره نوجوانی و جوانی در تربیت اسلامی حائز اهمیت بسیار است. چنان که علی بن ابی طالب - علیه السلام - در فرازهایی از نهج البلاغه این نکته را مورد توجه قرار داده است. او می‌فرماید: *إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ* (نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۱۱). یعنی قلب نوجوان مانند زمینی است خالی، هر آن چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد. ایشان در ادامه این مطلب، خطاب به فرزندان بزرگشان امام حسن - علیه السلام - در زمینه آغاز تربیت او، می‌فرماید: *فَبَادِرْتَكِ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْمَلَ لُبُّكَ* (نهج البلاغه، نامه ۳۱، بند ۱۲). یعنی من به تربیت تو اقدام کردم قبل از این که قلب تو سخت شود و عقلت اشتغالات بسیار بیابد.

خلاصه، آن چه قلب نوجوان و جوان را تحت تأثیر مثبت یا منفی قرار می‌دهد در تربیت دینی باید به جد مورد توجه و تحقیق قرار گیرد.

۲- عقل: دسته مهمی از اعتقادات انسان از



داده، درست را از نادرست تمیز دهد.

تربیت دینی برای نوجوانان و جوانان می باید با کاوش های عقلی و پرورش آن همراه باشد. اگر تنها به جذبه های قلبی متربیان اکتفا کنیم، آنان را در معرض آسیب پذیری و فریب خوردن قرار خواهیم داد. از طریق علم آموزی، استدلال کردن و به کار بردن منطق صحیح، نوجوانان و جوانان می توانند در تزکیه قلب خویش کوشش کنند.

اخلاق در اصل علم سامان دهی امیال توسط عقل است. اخلاق هم در قالب آموزه های نظری و هم در قالب ضوابط و مقررات اجتماعی باید به نوجوان و جوان آموخته شود. اخلاق نیز با توجه به زمان و شرایط می باید مورد بازنگری قرار گرفته، به گونه ای تدوین شود که جوانان را در حفظ اعتقادات و ایمان خویش در جهان امروز یاری بخشد.

از امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - پرسیدند که تو چگونه به این مقام معنوی رسیده ای؟ او در پاسخ فرمود: كُنْتُ بَوَّابًا لِلْقَلْبِ. یعنی من نگهبان دل خویش بودم. این نگهبانی تنها به وسیله عقل امکان پذیر است. پرورش عقل آن گونه ای که توصیف آن گذشت و یافتن روش های کارآمد در این زمینه از لوازم تربیت درست دینی است.

بدین ترتیب، بیایم قلب نوجوان را از طریق الگو شدن خویش در صفای باطن و عشق ورزیدن به خداوند و مخلوقات او زنده نگه داریم. عقل او را از طریق علم آموزی و بالا بردن قدرت استدلال و تمیز بین حق و باطل و درست و نادرست تقویت کرده، امیال او را نیز با اخلاق دینی مناسب در جهت برآورده شدن مطابق رضای الهی، هدایت کنیم. باشد که در تربیت دینی جوانانمان خداوند بزرگ یارمان باشد. ان شاء الله.

۳- امیال: امیال انسانی را در تربیت دینی نمی توان نادیده گرفت. امیال از یک سو وجود دارند و خداوند عالم آن ها را به حکمت خویش در درون انسان به ودیعت نهاده و از سوی دیگر هر یک از آن ها در زندگی دنیوی انسان حائز نقش و اهمیتی است. این امیال اغلب زندگی دنیوی انسان را با انگیزه همراه کرده، به آن تحرک و شادمانی می بخشند. همان گونه که رها کردن آن ها و دنباله روی کردن از آن ها ناپسند و مضر است، بی توجهی محض به آن ها نیز مخرب و خلاف طبیعت آدمی است. بی توجهی به آن ها، به خصوص بی توجهی به نیاز جنسی، می تواند موجب انحراف و عصیان جوانان شود. لذا پس از قلب و عقل، پرداختن به امیال آدمی، در تربیت دینی حائز اهمیت بسیار است.

پی نوشت ها:

- 1- INTELLECT
- 2- DESIRES OR HAWA
- 3- PHYSICAL LAYER
- 4- SOCIAL LAYER
- 5- INDIVIDUAL LAYER
- 6- INDEPENDENCY SEEKING
- 7- SELF ESTEEM
- 8- SELF ACTUALIZATION
- 9- HEART
- 10- DEVELOPMENTAL PSYCHOLOGY